

خاطره‌ای از کربنات لیتیوم

دکتر سیدمهدی حسن‌زاده⁽¹⁾

[دریافت مقاله: 1391/1/15؛ پذیرش مقاله: 1391/1/31]

داستان از این قرار بود که به دلیل جنگ و تحریم و آغاز طرح ژنریک، واردات دارویی کشور به شدت کاهش یافت و ورود کربنات لیتیوم قطع شد. کربنات لیتیوم موجود در بازار ایران در آن روزها به نام پریادل¹³ بود که به شکل قرص‌های 400 میلی گرمی از انگلستان وارد می‌شد. با نبود این دارو در بازار، درمان بیماران خلقی با اختلال جدی مواجه شد. آن روزها دکتر غلامحسین مبارکی مدیر گروه و بنده رئیس بخش روانپزشکی دانشگاه اصفهان، با خود اندیشیدیم که چگونه این معضل بزرگ را حل کنیم. پس از مدت‌ها مشورت با اساتید مختلف و اخذ نقطه‌نظرات، دست به کار شدیم.

به دپارتمان شیمی دانشگاه اصفهان مراجعه کردیم که ببینیم از کجا می‌شود لیتیوم به دست آورد. ما را به کارخانه ذوب آهن معرفی کردند و شیمی‌دان‌های کارخانه به ما کربنات لیتیوم دادند. ما این ماده را به اساتید دانشکده داروسازی دانشگاه اصفهان تحویل دادیم و آنان کپسول‌های دست‌ساز کربنات لیتیوم 300 میلی گرمی به ما پس دادند. با تهیه این کپسول‌ها خستگی ماه‌ها دوندگی و مذاکره برطرف شد و شیرینی این خاطره را هرگز فراموش نخواهم کرد.

البته در عمل با یک مشکل جدی روبرو شدیم و آن این بود که چون کپسول‌ها با دست و نه با دستگاه پر می‌شد، بعضی بیشتر و بعضی کمتر از 300 میلی گرم لیتیوم داشتند و این می‌توانست به عدم کنترل مناسب سطح خونی دارو بیانجامد و برای برخی بیماران کشنده باشد. با کنترل مکرر سطح خونی دارو و به کارگیری دوزها پایین‌تر این مسأله را نیز حل کردیم.

در سال 1356 که بنده به‌عنوان دستیار روانپزشکی در دانشگاه اصفهان شروع به کار کردم استفاده از لیتیوم بین روانپزشکان اصفهان که تعدادشان از انگلستان یک دست کمتر بود معمول نبود. آن روزها برای درمان فاز مانیا از هالوپریدول¹ (سرنیس²)، کلرپرومازین³ (لارگاکتیل⁴)، پرفنازین⁵ (تریلافون⁶)، فنتازین⁷ و الکتروشوک⁸ (ECT) استفاده می‌شد.

تجویز والپروات سدیم⁹ و کاربامازپین¹⁰ هم معمول نبود. کتاب درسی ما آن روزها فریدمن-کاپلان¹¹ چاپ 1975 و سیناپس همان سال بود. کاپلان دومین چاپ خود را داشت.

در سال 1356 با تأسیس گروه روانپزشکی دانشگاه اصفهان که توسط اساتید متخصص از آمریکا اداره می‌شد، کربنات لیتیوم به‌عنوان داروی اصلی اختلالات خلقی که آن روزها اختلالات عاطفی¹² گفته می‌شد، وارد کار بالینی در اصفهان شد.

معدود روانپزشکان شهر به دلایل مختلف مثل عدم آشنایی با لیتیوم یا احتمالاً نگرانی از عوارض خطرناک مسمومیت با آن، از لیتیوم استفاده نمی‌کردند و کاربرد آن تقریباً به‌طور اختصاصی در دست تیم دانشگاه بود.

پس از انقلاب اسلامی، استادان ما به تدریج به کشورهای خارجی مهاجرت کردند و گروه نوپای روانپزشکی اصفهان توسط آقای دکتر غلامحسین مبارکی و اینجانب در سخت‌ترین شرایط کاری (جنگ، نبود نیروی انسانی، نبود امکانات) و تهدید به انحلال گروه روانپزشکی توسط رئیس وقت دانشگاه اداره می‌شد.

یکی از ده‌ها مشکلی که با آن روبه‌رو شدیم مسأله لیتیوم بود.

(1) روانپزشک، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران. تهران، خیابان ستارخان، خیابان نیاش، خیابان شهید منصوری، مرکز تحقیقات بهداشت روان، انستیتو روانپزشکی تهران.

دورنگار: 021-66551585، E-mail: smhk39@yahoo.ca

- | | |
|---------------------|------------------------------|
| 1- haloperidol | 2- Serenace |
| 3- chlorpromazine | 4- Largactil |
| 5- perphenazine | 6- Trilafon |
| 7- Fentazine | 8- electroconvulsive therapy |
| 9- sodium valproate | 10- carbamazepine |
| 11- Freedman-Kaplan | 12- affective disorders |
| 1- Priadel | |